

دکتر فرخنده مفیدی

رابرت آون، بنیان گذار مدرسه اطفال

در محیط کارخانه‌اش متوقف کرد. آون در حقیقت فردی محیط‌گرا بود که عقیده داشت محیطی که کودکان در آن پرورش می‌یابند عاملی اصلی در شکل‌گیری عقاید، باورها، رفتار و موفقیت آن‌هاست. در عین حال معتقد بود که جامعه و افرادی که به بهبود و رفاه جامعه می‌اندیشند، می‌توانند شخصیت فردی کودکان را شکل دهند.

او همچنین یک آرمان‌گرا بود که عقیده داشت با کنترل کردن شرایط و نتایج نهایی تربیت کودک، امکان ساختن جامعه‌ای نو و کامل‌تر وجود خواهد داشت. این دیدگاه اطمینان‌بخش از تربیت و آموزش کودک خواسته‌ها را آزادانه به سمت ریشه‌ها و مبانی هدایت می‌کند و محیط را به‌مثابه نیروی تعیین‌کننده در مدیریت و تعیین رفتارها مسلط و حاکم می‌سازد. همان‌گونه که آون توصیف می‌کند: «هر شخصیتی، از بهترین تا بدترین، از مغفول‌ترین تا شناخته و بارزترین، در هر جامعه و حتی در سطح وسیع‌تر در دنیا، ممکن است از راه به‌کارگیری شیوه‌های درست به بار آیند و این شیوه‌ها تا حدود زیادی تحت کنترل و اداره کسانی است که بر سرنوشت و امور انسان تأثیر گذار هستند.»

بنابراین، آون عقیده داشت که عادات خوب از سال‌های نخست شکل می‌گیرند و رفتار کودکان اساساً از محیط منشأ می‌گیرد.

مدارس اطفال^۴

آون به‌منظور به‌کارگیری و اجرای عقایدش، مدارس اطفال را در سال ۱۸۱۶ در لانارک‌نو^۵ طراحی کرد تا از حدود صد کودک هجده ماهه تا ده ساله مراقبت کند و زمانی که والدینشان در کارخانه‌های نخ‌ریسی و پنبه‌ریسی کار می‌کردند آن‌ها را تحت پوشش تربیتی قرار دهد. این کار به افتتاح اولین مدرسه اطفال در لندن در سال ۱۸۱۸ منجر شد. از آن‌جا که بخشی از انگیزه‌های وی برای افتتاح مدارس اطفال جداسازی و دور کردن کودکان از والدین



غالباً افرادی که بر جریان‌ات فکری و زیربنایی آموزشی و تربیتی اثر می‌گذارند، در امور سیاسی و اجتماعی نیز اثرگذار بوده‌اند؛ رابرت آون (۱۸۵۱-۱۷۷۱) از این معنی مستثنی نیست. اثرگذاری آون در نظام آموزش و پرورش از فعالیت‌های مرتبط با لانارک‌نو در اسکاتلند منتج شد که یک کارخانه پنبه و نخ‌ریسی را در شهر اداره می‌کرد. وی در واقع فردی صنعتگر و کارخانه‌دار بود که در سال ۱۸۱۶، مالکیت کارخانه را به عهده گرفت. در این مکان بود که به موقعیت سخت و طاقت‌فرسای کار کودکان و خردسالان در کارخانه‌ها پی برد و نسبت به تغییر وضعیت آنان حساس شد. او با رد کردن تقاضای استخدام کودکان زیر ده سال استثمار و آزار کودکان را

اطفال بود و کودکان در چنین مکانی به دور از ترس و تنبیه مورد مراقبت و توجه قرار می‌گرفتند.

مدرسه اطفال آون در واقع محیطی شاد و متناسب با نیازهای کودکان خردسال را فراهم آورد اما سال‌ها نتوانست از شهرت و گسترش برخوردار شود، زیرا امکانات لازم برای گسترش عقاید و دیدگاه‌های درباره کودکان وجود نداشت. کمبود علاقه به گسترش چنین مراقبت‌ها و آموزش‌هایی در دیگر مناطق جهان و در آن زمان یکی دیگر از علت‌ها بود.

پی‌نوشت

1. Robert Owen
2. environmentalist
3. Utopian
4. Infant Schools
5. New Lanark
6. Head start

رابط آون عقیده داشت که مدارس اطفال راهی آرمانی برای تدارک نیازهای کودکان و خردسالانی است که خانواده‌هایشان به کار اشتغال دارند



بی‌سواد و آموزش ندیده بود، توانست مدرسه‌ای شبانه را نیز برای کارگرانش تأمین کند و با تدارک آموزش و پرورش، آن‌ها را به انسان‌های منطقی و سالمی مبدل سازد.

در این‌جا باید اضافه کنیم آموزش اولیه برای کودکان با خانواده‌های با سطح درآمد پایین در آمریکا در سال ۱۹۶۵ با برنامه سرآغاز یا آغاز مطلوب شکل گرفت، ولی مدارس اطفال آون متجاوز از صد سال قبل از آن آغاز شده بود و اسطوره آن در مدارس اطفال انگلستان زنده شد که سرانجام به ظهور کودکستان‌ها منجر شد. به هر حال در مدرسه اطفال، کودکان از آموزش و پرورش متناسب با نیازهای خود برخوردار می‌شدند. این مدرسه محیطی پر نشاط، راحت و سرشار از تجربه‌های کنجکاوانه فراهم می‌کرد و آن‌ها می‌توانستند آزادانه به جست‌وجو و بازی بپردازند. محیط مدرسه با طبیعت ارتباط داشت و کودکان می‌توانستند در فضای خارج به بازی بپردازند. فضای درونی مدرسه کودکان را با اشیای واقعی مواجه کرد که به منظور به‌وجود آوردن انگیزه، کنجکاوی و جست‌وجو و پرسش طراحی شده بودند و امکان فعالیت را برای آنان میسر می‌کرد.

پرداختن به حرکات بدنی، سرود و آوازخوانی و بازی‌های خلاق تشویق می‌شد و معلمان سعی داشتند کودکان را با کتاب‌ها و درس‌های رسمی و غیر ملموس پیش از موعد مواجه نکنند و آموزش دروس رسمی به دوران مدرسه و سنین بالاتر موکول می‌شد. صبر و شکیبایی، محبت و مهربانی و درک و شناخت از ویژگی‌های معلمان مدرسه‌های